

روایتی از آثار و تألیفات استاد احمد صافی در گفت‌وگو و از زبان خودشان

● رحیم روح‌بخش*

اشاره

برای تهیه و تدوین تاریخ شفاهی شورای عالی آموزش و پرورش تصمیم گرفته شد که با بزرگان و پیشکسوتان آموزش و پرورش به‌خصوص دست‌اندرکاران شورای عالی آموزش و پرورش گفت‌وگوهایی داشته باشیم و استاد احمد صافی با تجربه بیش از ۶۰ سال خدمت در این نهاد، در رأس این برنامه قرار گرفت. با هماهنگی‌های به‌عمل آمده در واحد اسناد و تاریخ شفاهی شورای عالی آموزش و پرورش، سازوکارهای برنامه مصاحبه تاریخ شفاهی بررسی، تعریف و تصویب شد. سپس مصاحبه با استاد صافی در دستور کار قرار گرفت. استاد صافی نه تنها به عنوان احیاء‌کننده شورا در نخستین سال بعد از انقلاب ایفای نقش کرد، بلکه به عنوان مشاور دبیران کل شورا در بیش از یک دهه اخیر، توانست در تعامل با دو مؤلفه دیگر سازمانی، یعنی نهاد شورا و محصول آن، یعنی مصوبات شورا، ناگفته‌هایی را بیان کند. ارتقاء و اعتلای رئیس دبیرخانه شورا به مقام دبیر کلی - هم سطح معاون وزیر - و تدوین و تصویب اولین آیین‌نامه نامه شورا دو اقدام تعیین‌کننده و ماندگار استاد صافی بود که توانست جایگاه شورای عالی آموزش و پرورش در ساختار حقوقی نظام آموزشی و نقش تاریخی آن طی یک سده اخیر را تثبیت کند.

لازم به ذکر است که برنامه مصاحبه تاریخ شفاهی شورا با استاد صافی از مدت‌ها پیش دغدغه خاطر همکاران دبیرخانه در شورا و به ویژه واحد اسناد این دبیرخانه بود. اما این مهم به انجام نرسید، تا زمانی که با تشکیل بخش تاریخ شفاهی در ذیل واحد اسناد و تغییر عنوان آن به «واحد اسناد و تاریخ شفاهی» در دبیرخانه، به‌طور رسمی مصاحبه با دست‌اندرکاران شورا از جمله دبیران کل در دستور کار واحد مذکور قرار گرفت. استاد متواضعانه درخواست مصاحبه تاریخ شفاهی را قبول کردند و طی هفت جلسه از ۱۸ تیر الی ۵ شهریور ۱۴۰۱ در کتابخانه واحد اسناد و تاریخ شفاهی شورا و یک جلسه در کتابخانه منزل شخصی

* مسئول مرکز اسناد و تاریخ شفاهی شورای عالی آموزش و پرورش E-mail: Roohbakhsh1965@yahoo.com

۱. منظور لایحه قانونی تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش، مصوب شورای انقلاب اسلامی، مورخ ۲۷ بهمن ۱۳۵۸ می‌باشد.

ایشان حضور به هم رسانده و به پرسش‌های مصاحبه‌کنندگان (رحیم روح‌بخش و هوشنگ غلامی) جواب دادند.^۱ مجموعه مصاحبه‌ها حدود دوازده ساعت شد که بعد از پیاده شدن، در دستور کار تدوین قرار گرفت. استاد در بخشی از این مصاحبه، درباره آثار و دو تألیفاتش سخن گفت که با عنایت به پرونده ویژه استاد در این شماره نشریه، آن بخش از متن مصاحبه عیناً به خوانندگان محترم تقدیم می‌شود:

الف) محورهای ده‌گانه آثار و تألیفات من:

وقتی تصمیم گرفتم در دانشسرای مقدماتی ادامه تحصیل بدهم، ابتدا با عمویم مشورت کردم. وی گفت: معلم بشو، اما سه کار را اساس و پایه زیستن و زندگی خود قرار بده؛ اول این که سعی کن معلم خیلی خوبی شوی و خوب درس بخوانی. بنابراین در دوره دانشسرا سعی می‌کردم خوب یاد بگیرم و از کتاب‌هایی که در اختیارم قرار می‌گرفت نهایت استفاده را ببرم. به‌گونه‌ای که بتوانم خودم را برای تدریس به دانش‌آموزان توانمند کنم. دومین توصیه‌ای که وی به من کرد این بود که حتماً ادامه تحصیل بده و به معلم بودن تنها اکتفا نکن، لذا ادامه تحصیل دادم، ابتدا لیسانس و سپس فوق لیسانس گرفتم و با دانشگاه‌های مختلف ارتباط برقرار کردم. سومین توصیه او این بود که هر جا برای سخنرانی یا تدریس می‌روی، برای پیوند دانشجویان و دانش‌آموزان با خالق هستی بکوش. من بر اساس این سه توصیه عموی بزرگوارم که از علمای برجسته و هم‌درس آیت‌الله بروجردی در اصفهان بود، عمل کردم و الآن هم-شهریور ۱۴۰۱- که ۸۶ سال دارم، دقیقاً ۶۶ سال است که در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنم و همیشه در اجرای این سه توصیه گام برداشته‌ام. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین علائقم در عرصه آموزش و پرورش، نگارش کتاب‌های مفید بود. من تألیف کتاب را در اولویت اول خود قرار دادم، به طور خلاصه، کتاب‌های من در ده محور به شرح ذیل قابل تقسیم‌بندی است:

۱. **کتاب‌های دینی:** در گام نخست، در حوزه دینی کتاب نوشتم. تاکنون ده کتاب مذهبی تألیف کردم. کتاب اول «علی (ع)، اسوه اخلاق رهبری و مدیریت» نام دارد، که چاپ شده است. در این کتاب فرمان حضرت علی به مالک اشتر را از کتاب نهج‌البلاغه آورده و سی‌ونه نکته از فرمان را استخراج کردم. در جلسه‌ای که در خصوص همین فرمان سخنرانی می‌کردم، معاون وزیر بهداشت وقت که کنار من نشسته بود، در پایان سخنرانی گفت:

۱. لازم به توضیح است که در خلال تدوین مصاحبه استاد صافی، برخی اقدامات لازم متناسب با مقررات و استانداردهای تدوین اعم از ویرایش، گویاسازی در قالب پاورقی‌های توضیحی راجع به شخصیت‌های نامبرده شده در متن مصاحبه به عمل می‌آید که در این متن مصاحبه نیز این اقدامات انجام شده است. در این مقاله تمام پاورقی‌ها از تدوین کننده است مگر مواردی که با کلمه (راوی) در پایان متن مشخص شده باشد.

۲. با کمال تأسف استاد صافی، کوتاه مدتی بعد از آخرین مصاحبه تاریخ شفاهی به تاریخ ۵ شهریور ۱۴۰۱، به‌دنبال یک بیماری کوتاه، در صبحگاه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱ دارقانی را وداع گفتند. اما در همان ایام بستری در بیمارستان، متن تدوین شده مصاحبه‌ها را ملاحظه و اصلاحاتی در آن به عمل آوردند.

من چند بار
کربلا رفته‌ام،
برای هر کدام
از این سفرها،
یک سفرنامه
نوشته‌ام

این سی و نه مورد را بنویس و به من بده. در همان جلسه نوشتم و به او دادم. گفت از فردا در همه جلسات و سخنرانی‌هایم، این سی و نه نکته مدیریتی را برای مدیران خواهم گفت. تلقی من این است که اگر این سی و نه نکته را به هر مدیر وزارتخانه‌ای بدهید، می‌تواند از آن نکات، راهبرد مدیریتی وزارتخانه‌اش را ترسیم کند. کتاب دوم من در حوزه مذهبی، «پیامبر اکرم (ص)، اسوه اخلاق، رهبری و تعلیم و تربیت» نام دارد. این کتاب جامع است و در پایان آن اشعار شعرای برجسته در مدح آن حضرت را آورده‌ام. این کتاب آماده چاپ است.

کتاب سوم در این حوزه، درباره امام حسین (ع) است. من چند بار کربلا رفته‌ام، برای هر کدام از این سفرها، یک سفرنامه نوشته‌ام. مجموعه آن‌ها را در قالب یک کتاب جامع تحت عنوان؛ «امام حسین، اسوه اخلاق، رهبری و شجاعت» تدوین کردم. این کتاب هم آماده چاپ است. کتاب چهارم در مورد امام زین‌العابدین (ع) است که شامل دعاها و نیایش‌های امام چهارم در زمینه‌های مختلف است. عنوان آن «نیایش و اثر آن در رفتار درمانی و سلامت روانی» نام دارد. این کتاب هم آماده چاپ است. یک فصل این کتاب مختص آیات نیایشی در قرآن است و مابقی آن به نیایش‌های امام سجاد (ع) اختصاص دارد. کتاب بعدی من درباره امام جعفر صادق (ع) با عنوان «استاد برجسته فقه جعفری» است. کتاب دیگرم را در سفری به مشهد نوشتم که الآن زیر چاپ است؛ عنوان آن «امام رضا، اسوه تعلیم و تربیت، رهبری و مدیریت» نام دارد و بالاخره کتاب دیگری هم برای بزرگداشت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی نوشتم که عموزاده من هستند. چندین بار خدمت ایشان رسیدم و طی جلسات مصاحبت با ایشان، کتابی تحت عنوان «آیت‌الله صافی، اسوه اخلاق، تقوا و تعلیم و تربیت» تألیف کردم که در آن دیدگاه‌ها و نظرات ایشان را آورده‌ام. به اجمال عرض کنم که ایشان تعداد یک‌صد کتاب در حوزه‌های مختلف تألیف کرده‌اند، از آن جمله کتابی تحت عنوان «با جوانان» نوشته که آن کتاب آماده انتشار است و احتمالاً در بزرگداشت سالگرد آن مرحوم منتشر می‌شود. آخرین کتاب من درباره عمویم ملا محمدجواد صافی است که آن توصیه‌ها و سفارش‌ها را در آغاز معلمی به من کرده بود. شیخ علی صافی (آیت‌الله علی صافی) فرزند ایشان است. ضمناً دکتر قاسم صافی برادر من هم که استاد دانشگاه تهران است، کتابی با رویکرد مذهبی درباره پدرم با عنوان «بادیه عشق» نوشته است. به هر حال، شما هر نوع کتاب دینی و مذهبی را می‌توانید در کتابخانه من پیدا کنید، مثلاً نهج‌البلاغه را از ۵-۶ نویسنده و محقق دارم.

۲. قوانین و مقررات آموزش و پرورش: محور دوم کتاب‌های من درباره قوانین آموزشی است. اولین کتابم در این خصوص کتاب «سازمان و قوانین آموزش و پرورش» بود. ماجرای تألیف این کتاب از این قرار است که وقتی این درس را در قبل از انقلاب اسلامی در دانشگاه تربیت معلم ارائه می‌دادم، مطالبی یادداشت کرده و نکاتی را می‌نوشتم. مهم‌تر این که وقتی در دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش مستقر شدم، تمام قوانین و مقررات

امروزه کتاب‌های
من در بسیاری
از دانشگاه‌ها
از جمله در
دانشگاه فرهنگیان
مورد مراجعه است

مصوب آموزش و پرورش در آرشو آن شورا را هم بررسی و تدوین کردم.^۱ البته این درس بعدها در برخی دیگر از دانشگاه‌های کشور به خصوص در رشته‌های علوم تربیتی به عنوان واحد درسی ارائه شد و معمولاً از من برای تدریس و بعضاً سخنرانی دعوت می‌کردند. لذا به تدریج درصدد برآمدم در هر کتابی که می‌نویسم، بخشی را به مصوبه‌های مربوط به قوانین و آیین‌نامه‌های آن موضوع اختصاص دهم و مهم‌تر این که کتاب‌ها را براساس سرفصل‌های آن درس در برنامه دانشگاه‌ها تدوین کنم. لذا امروزه کتاب‌های من در بسیاری از دانشگاه‌ها از جمله در دانشگاه فرهنگیان مورد مراجعه است. در واقع، من مجموع ذخایر اسنادی و آرشیوی شورای عالی آموزش و پرورش را تدوین کردم. به طوری که بعدها با استناد به این داده‌های تاریخی، به خصوص با بهره‌برداری از مصوبات شورای عالی، کنفرانس‌های متعددی در ارتباط با سازمان قوانین و مقررات آموزش و پرورش ارائه دادم. به طوری که کم‌کم درس قوانین و مقررات به عنوان یک درس اساسی، مورد توجه عرصه تعلیم و تربیت قرار گرفت. به هر حال، خروجی این بررسی‌ها و فیش‌برداری‌ها منجر به تألیف یک کتاب مهم تحت عنوان «سازمان و قوانین آموزش و پرورش» شد که در هر تجدید نظر بر آن، سعی کردم آخرین تغییرات در ساختار و تشکیلات آموزش و پرورش و آخرین قوانین آن را بیاورم. چاپ سی‌ام این کتاب تا چند روز دیگر منتشر می‌شود. در پایان این کتاب، عناوین و مشخصات ۱۵۴ قانون آموزشی را آورده‌ام. بر اساس تحقیقاتی که انجام داده‌ام، این کتاب را الآن در دانشگاه‌های متعدد کشور در رشته‌های مدیریت و تعلیم و تربیت تدریس می‌کنند.

خوشحالم که به این اندازه درباره قوانین و مقررات آموزش و پرورش کار و کتابی تألیف کرده‌ام. این نکته را هم خاطرنشان کنم که بعدها از پژوهشکده تعلیم و تربیت یک پروژه پژوهشی با عنوان «بررسی ساختار اداری آموزش و پرورش در صدسال» گرفتم که آن اثر به خوبی نشان می‌دهد در صدسال اخیر تشکیلات و ساختار آموزش و پرورش چگونه بوده است. در یک جمله بگویم که تشکیلات این وزارتخانه طی این یک قرن، ۲۲ بار عوض شده است. ما زمانی رجال و متخصصان برجسته‌ای در حوزه مدیریت داشتیم که خبره این علم بودند، قبل از انقلاب اسلامی برای تربیت نیرو، انستیتو مدیریت داشتیم، که الآن نیست. حتی دفتر ضمن خدمت فعالی داشتیم که در عرصه مدیریت برای مدیران برنامه داشت. متأسفانه این برنامه‌ها الآن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، یعنی افرادی که آمدند و تشکیلات آموزش و پرورش ما را طراحی و اجرا کردند خودشان الآن نیستند، لذا امروز متولیان امور در مانده‌اند که با این تشکیلات گسترده و عظیم فعلی چه کنند؟ آن را عوض کنند، زیاد یا کم کنند؟ کتاب دیگرم در این حوزه، کتاب «مدیریت و مقررات آموزشی» است که آن را می‌توان کتاب درسی برای مدیران کل و مدیران مدارس تلقی کرد. یک خاطره جالب از

۱. جهت اطلاع، مجموعه صورت مذاکرات و مصوبات شورای عالی از اولین جلسه شورا تحت عنوان شورای عالی معارف به تاریخ ۷ مهر ۱۳۰۱ تا کنون به مدت یک‌صد سال در آرشو واحد اسناد و تاریخ شفاهی شورای عالی نگهداری و به پژوهشگران خدمات اسنادی ارائه می‌شود.

چگونگی تألیف این کتاب دارم که بیان آن آموزنده است. مدیرکلی در آموزش و پرورش به نام دکتر محمدرضا حافظنیا داشتیم که مدیرکل ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش بود. وی اکنون استاد دانشگاه تربیت مدرس است و کتاب‌های متعددی هم دارد. او یک روز مرا خواست و گفت: آقای صافی، من می‌خواهم طرحی ارائه بدهم که از خدمتگزار تا معاون وزیر را آموزش بدهیم، برنامه‌ریزی کرده‌ام و متن درسی آن را هم تعیین کرده‌ام. شما بیا و به ما کمک کن. گفتیم چه کنیم؟ گفت مدیران کل ستادی و اجرایی وزارتخانه، سه دوره آموزش دارند که در شهرهای مشهد، تهران و هرمزگان برگزار می‌شود. شما در این سه دوره شرکت کن و تجارب و خاطرات خود را برای حاضران بگو. اولین برنامه آموزش در مشهد برگزار شد. نخستین روزی که وارد کلاس آن‌ها شدم، دیدم آقای دکتر حسین مظفر که آن موقع مدیر کل شهر تهران بود، نشست است. حتی بسیاری از کسانی که بعداً معاون وزیر شدند نیز آنجا بودند. شروع به درس دادن کردم. بعد از تشکر، موضوعی را به‌عنوان محور بحث مطرح کردم که مبنی بر این که یک وزیری می‌خواست، مدیرکلی را برای آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب کند. رفت و به آن فرد مورد نظر گفت بیا مدیر کل تهران شو. این آقای گفت: آقای وزیر، خواهش می‌کنم به من سه ماه وقت بدهید تا بروم درباره تهران مطالعه و طرح‌هایم را درباره تحول آموزش و پرورش در تهران تهیه کنم و بعد از سه ماه شما بیا و مرا به همه رؤسای مناطق معرفی کن تا بتوانم با دست پر یک تحولی در آموزش و پرورش تهران ایجاد کنم. تا این مساله را مطرح و این مثال را بیان کردم، آقای مظفر دست بلند کرد و گفت: این مطلب خیلی خوبی است، اما در این جلسه عمومی می‌خواهم بگویم که شبی از وزارت آموزش و پرورش به من زنگ زدند و گفتند که صبح بیا می‌خواهیم تو را به عنوان مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران معرفی کنیم و من هم اصلاً هیچ وقت نداشتم و تا صبح فکر می‌کردم که آیا بروم یا نروم. سرانجام صبح رفتم و مرا به رؤسای مناطق تهران معرفی کردند؛ حالا شما می‌گویید که سه ماه وقت بدهند! یک شب هم به من وقت ندادند. مهم‌ترین مشکل در مدیریت آموزش و پرورش این است که انسان را صدا می‌کنند و می‌گویند که فردا برو به محل کار و متأسفانه به او فرصت طراحی و برنامه‌ریزی نمی‌دهند.

۱ دکتر محمدرضا حافظنیا در سال‌های ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۷ مدیرکل آموزش ضمن خدمت و مشاور وزیر آموزش و پرورش را به عهده داشت. شرح مختصر زندگی وی حاکی است، او متولد سال ۱۳۳۴ از شهر بیرجند و دارای تحصیلات عالی در دانشسرای عالی، تربیت مدرس و رشته جغرافیای سیاسی بوده و به عنوان اولین فارغ‌التحصیل دکتری رشته مذکور معرفی شده است. وی هم اینک استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد و همچنین عناوین پژوهشگر برگزیده سطح کشوری در علوم انسانی و اجتماعی و چهره ماندگار دانشگاهی در علوم انسانی را به دست آورده است. حافظنیا در دوران سربازی به عنوان افسر وظیفه و همزمان با وقایع انقلاب به دنبال ترور ناکام فرمانده تیپ ۷۷ خراسان در خلال سان دیدن از سربازان و نظامیان، مدتی به زندان افتاد که با پیروزی انقلاب اسلامی از زندان رهایی یافت. وی شرح تفصیلی مآقع این ماجرا را در کتابی شرح داده است. رک به: خاطرات محمدرضا حافظنیا، به کوشش حمید قزوینی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.

۲ حسین مظفر متولد ۱۳۳۱ در ملایر، سیاستمدار ایرانی و از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است. وی در دوره‌های هفتم و نهم به عنوان نماینده مردم تهران به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. مظفر در دولت اول سید محمد خاتمی از سال ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۶ وزیر آموزش و پرورش بود.

این طرح مسأله من در آن جلسه باعث شد که مدیران بروند و شب در خوابگاه بنشینند و بحث کنند. همه بودند از مدیرکل استان سیستان و بلوچستان تا استان‌های دیگر؛ یک گزارش ۱۵۰ صفحه‌ای تهیه کردند، با این موضوع که اگر به عنوان مدیر کل آموزش و پرورش یک استان دعوت به کار شوند، چه اقداماتی قبل از قبول آن سمت به عمل بیاورند. یعنی هر مدیر کل یک گزارش ۱۵۰ صفحه‌ای تهیه کرد درباره این که اگر من مثلاً به عنوان مدیر کل آموزش و پرورش تهران انتخاب شوم، باید اول جمعیت تهران را در گذشته، حال و چشم‌انداز آینده آن را بررسی کنم؛ وضعیت کنونی آموزش فنی حرفه‌ای و آموزش عمومی و آینده آن و همچنین مدارس خصوصی و دولتی را بررسی کنم، یعنی تقریباً صد سوال را درباره تهران طی سه ماه پیدا می‌کنم و بعد بر اساس آن، طرح ویژه تهران، آینده آن، جغرافیا و تاریخ تهران را تهیه و تدوین می‌کنم. براین اساس مدیرکل هر استانی در کلاس من، ۱۵۰ صفحه با همین یک سوال مطلب استخراج کرد که بعضی از آن‌ها را به عنوان نمونه دارم. به این ترتیب من خاطرات و تجربیاتم را برایشان گفتم، پس از همایش، مدیر کل ضمن خدمت این تجربیات و آموزش‌ها را به کتاب تبدیل کرد و شاید اولین کتاب ضمن خدمتی است که تاکنون ۵۰۰ هزار نسخه از آن چاپ شده باشد که عنوان آن «سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش» است.

مهندس مهدی نوید^۱ دبیرکل سابق شورای عالی آموزش و پرورش نقل کرد که چند بار در دانشگاه شهید رجایی همین کتاب را تدریس کرده است. مدیرکل دفتر وزارتی نیز همین مطلب را گفت. این کتاب، ساده، ولی پر محتوا است. در کتاب، سوال‌های فراوانی مطرح شده است؛ مثلاً یکی از سوال‌هایی که دارد با این مضمون شروع می‌شود که مدیر کلی نقل می‌کند: من پشت میز نشسته و کارشناسان خود را هم دعوت کرده بودم و با هم در مورد این که شما باید چگونه کار کنید تا بازده کار این دفتر زیادتر شود، بحث می‌کردیم. در همان حال که داشته این نکته را به کارشناسان خود تأکید می‌کرده است، یک نفر در اتاق را باز کرده و یک بریده روزنامه را جلوی او گذاشته که شما عزل شده‌اید! مدیرکل این کاغذ را در جیب خود می‌گذارد و می‌گوید: آقایان و خانم‌ها! از این که یک ساعت با شما حرف زد، ممنونم و تشکر از این که مدتی مدیرکل شما بودم. این، حکم عزل من بود که در جیبم گذاشتم. خدا حافظ. در را باز می‌کند و می‌رود. حالا سوال این بود در نهادی که تغییرات به این شکل رخ می‌دهد، چقدر در روحیه کارکنان و اعضای این نهاد اثر می‌گذارد و چقدر این شکل تغییر و برخورد برای تعلیم و تربیت خطر دارد و این نوع عزل آدم‌ها چه پیامدی دارد؟ با طرح چنین مسائلی این مدیران در سر کلاس بحث می‌کردند و صحبت می‌کردند و کلاس

۱. مهدی نوید ادهم متولد ۱۳۳۴ در لواسانات، از مدیران با سابقه آموزش و پرورش در بعد از انقلاب اسلامی است. همچنین در برخی نهادها و انجمن‌های فرهنگی عضویت دارد. وی در طی سال‌های دهه هشتاد و نود دو دوره دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش و همچنین ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را به عهده داشت. ضمناً او عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی را نیز داراست.

ما شد کلاس خاطره و تجربه. الان شما نگاه می‌کنید برخی را این‌گونه عوض می‌کنند که این‌ها همه را من در آن کتاب آورده‌ام.

بعد از طرح این مباحث، از حاضران پرسیدم، شما با کدام نظریه وزارت آموزش و پرورش را اداره می‌کنید؟ این، جواب می‌دهد که اگر با نظریه سیستمی اداره کنید این جور و با نظریه رفتار سازمانی اداره کنید این شکل است و اگر با نظریه بورکراسی اداری کنید، این شکل خواهد بود. سپس محاسن و معایب این نظریات را طرح و توضیح می‌دهد که چگونه از هر نظریه می‌توان در آموزش و پرورش استفاده کرد و آن را متحول ساخت. همه این‌ها، خیلی ساده و خلاصه در این کتاب آمده است. البته مقرر شده این کتاب را هم بازبینی کرده و اطلاعات تازه و جدیدی به آن اضافه کنم. این کتاب الان به چاپ پانزدهم رسیده است، یعنی هر مدیر مدرسه‌ای با خواندن آن متوجه می‌شود که نقش معاونان و معلمان چیست و چگونه باید عمل کنند.

۳. حوزه سوم تألیف کتاب‌هایم، درباره راهنمایی و مشاوره است. از تعداد پنجاه عنوان کتاب تألیفی من، حدود پانزده کتاب درباره راهنمایی و مشاوره است که غالباً کتاب دانشگاهی هستند و دانشجویان بسیاری از رشته‌ها آن‌ها را می‌خوانند، و بازار پر فروشی دارند، به طوری که برخی از آن‌ها به چاپ بیست و پنجم هم رسیده است.

۴. چهارمین حوزه‌ای که کتاب نوشته‌ام، مربوط به تعلیم و تربیت است. یکی از آثارم در این حوزه، کتابی است که از متن اسناد تحولی در آموزش و پرورش تهیه کردم. وقتی به تک‌تک این متن‌های تحولی نگاه کردم، متوجه شدم که همه آن‌ها تکراری است. لذا کتابی نوشتم به نام «مبانی تعلیم و تربیت» که در این کتاب صد و بیست و دو پرسش و پاسخ درباره سند تحول بنیادین طرح و پاسخ دادم. جالب این‌که این کتاب دربرگیرنده نود و هفت اصل آموزش و پرورش است، یعنی شما اگر این اصول را مقابل یک مدیر و یا هر کسی دیگر بگذارید، خوب می‌داند که چه کاری را، چه موقع باید انجام دهد. اصول آموزش و پرورش در این کتاب تشریح و تبیین شده است که هم‌اکنون در بسیاری از دانشگاه‌ها این کتاب را تدریس می‌کنند.

۵. پنجمین حوزه و محور آثار بنده، مربوط به خیرین مدرسه‌ساز، مدرسه‌یار و سایر خیرین است. نقش و آثار آن‌ها را به تفصیل توضیح داده‌ام که این کتاب هم آماده چاپ شده است. همین‌جا خاطر نشان کنم که به تازگی از طرف مجمع خیرین کشور، حکمی به عنوان مشاور فرهنگی و آموزشی مجمع خیرین مدرسه‌ساز کشور به من دادند و تأکید کردند در سازمان و صداوسیما و سایر مراکز اعم از شهرستان‌ها سخنرانی کنم و حتی خاطر نشان کردند که برای تبیین جایگاه خیرین، به سازمان پژوهش ایده بدهم تا نقش خیرین را در کتب درسی و آموزش و پرورش مورد توجه قرار داده و در معرفی آنان اهتمام ورزند.

آخرین محور
آثارم، مقاله‌های
من هستند. تعداد
مقالاتم بالغ بر
پانصد مقاله است
که غالباً در نشریات
حوزه تعلیم و تربیت
چاپ و منتشر
شده‌اند

۶. ششمین حوزه تألیفاتم درباره نوآوری مدارس خاص است. از جمله آخرین کتابی که در دست نگارش دارم با عنوان «مدارس نوآور و نقش مدیران نوآور» است. یکی از این مدارس «مجمع آموزشی سروش»^۱ است که موزه اسناد آموزش و پرورش را تأسیس کرده است. در این کتاب قصد دارم نمونه‌هایی، به خصوص در حوزه مدارس اسلامی را معرفی کنم و ابتکارات آموزشی و پرورشی آن‌ها را شرح دهم.

۷. حوزه بعدی کارم، پروژه‌های تحقیقاتی است. بیش از بیست تحقیق انجام داده‌ام، همچنین در بیش از پنجاه پروژه پژوهشی ناظر تحقیق بوده‌ام. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «آموزش و پرورش در ژاپن و مقایسه آن با ایران»، «آموزش و پرورش در مالزی و مقایسه آن با ایران»، «آموزش و پرورش در ترکیه و مقایسه آن با ایران» اشاره کنم. در این راستا یک کتاب مشترک با همکاری آقای حسن کبیر با عنوان «سیمای پژوهش در آموزش و پرورش» نوشتم. از سایر پژوهش‌ها در این حوزه، می‌توانم به «صد سال تربیت معلم در ایران» و «صد سال ساختار اداری آموزش و پرورش در ایران» اشاره کنم.

۸. حوزه کاری دیگرم، کارورزی در دانشگاه‌ها و راهنمایی دانشجویان کارورز است که مجموع مطالب آن‌ها بالغ بر یکصد پروژه کارورزی می‌شود. این پروژه‌ها، حیطه‌ها و حوزه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد. متن بسیاری از آن‌ها در کتابخانه‌ام وجود دارد، برخی از آن‌ها نیز چاپ شده‌اند و برخی نیز آماده چاپ است.

۹. حوزه نهم آثارم، حوزه مدیریت به صورت مستقل است. من علاوه بر نگارش کتبی درباره مدیریت در آموزش و پرورش، با عنایت به حوزه تخصصی تحصیلی و مطالعاتم، کتب و مقالاتی نیز درباره مدیریت و سازمان‌ها نوشته‌ام. از آن جمله کتاب «مدیریت و اقتصاد در خانواده» قابل طرح است.

۱۰. آخرین محور آثارم، مقاله‌های من هستند. تعداد مقالاتم بالغ بر پانصد مقاله است که غالباً در نشریات حوزه تعلیم و تربیت چاپ و منتشر شده‌اند. علاوه بر آن، در همین حدود لوح فشرده و نوار صوتی سخنرانی دارم که طی دعوت به مناسبت‌های مختلف، در برخی کشورها و به خصوص شهرهای ایران ارائه دادم که بعداً صوت و نوار آن را برایم ارسال کرده‌اند.

۱. این مجمع آموزشی از زمره نادر مراکز آموزشی غیردولتی است که سرمایه‌گذاری ویژه‌ای برای معرفی تاریخ و تحولات آموزش و پرورش با عنوان «گنجینه نمادهایی از آموزش و پرورش مدرسه‌ای در ایران: از تاسیس دارالفنون تا امروز» با جمع‌آوری اسناد، تصاویر، اشیاء موزه‌ای و غیره کرده که در غرفه‌هایی تحت عنوانین: کتب درسی، اسناد قوانین آموزشی، مشاهیر تعلیم و تربیت، کارنامه‌های تحصیلی، مدارس ماندگار، نقشه‌های آنتیک جهان و ایران، مواد و تجهیزات آموزشی و اداری مدارس و بالاخره تصاویر و اسناد افتخارات مجمع آموزشی سروش در سالن‌های مجمع به نمایش عموم گذاشته است. (استخراج از کاتالوک معرفی مجمع)

ب) سایر اقدامات علمی و آموزشی:

به دلیل
کنفرانس‌های
متعددی که ارائه
کردم، مرا در دوران
دانشجویی مسئول
یک گروه علمی
دانشجویی کردند

۱. **تدریس در دانشگاه‌های کشور:** در سال ۱۳۴۶ که دوره فوق لیسانس را می‌گذراندم، دکتر محمد مشایخی^۱ رئیس گروه علوم تربیتی و مشاوره در دانشگاه تربیت معلم و دکتر احمد هوشنگ‌شریفی^۲ رئیس دانشگاه بودند. در دوره فوق لیسانس، یکی از برنامه‌های کلاسی، ارائه کنفرانس بود. هرگاه استادی در کلاس از دانشجویان درخواست کنفرانس می‌کرد، من دست بلند کرده و می‌گفتم آماده‌ام. در نتیجه، به دلیل کنفرانس‌های متعددی که ارائه کردم، مرا در دوران دانشجویی مسئول یک گروه علمی دانشجویی کردند. یعنی یک گروه دانشجویان ۲۵ نفره را به من سپردند تا فعالیت‌های آن‌ها را هماهنگ کنم. کلاس و برنامه آموزش را دو قسمتی کرده بودند. وقتی که فارغ‌التحصیل شدیم، یک پروفیسور فرانسوی به نام دوبول که در مقام کارشناس برنامه و بودجه بود به ما درس راهنمایی تحصیلی می‌داد. این آقای پروفیسور دو سال با ما کار کرد. حتی در مدرسه هم همراه ما برای کارورزی می‌آمد، دانشگاه هم که می‌آمد مرا برای انجام برخی از برنامه‌هایش می‌فرستاد. تا این که فارغ‌التحصیل شدیم. وی نامه‌ای به دکتر احمد هوشنگ‌شریفی رئیس دانشگاه نوشت و گفت: آقای احمد صافی که فارغ‌التحصیل شده است، می‌تواند در این دانشگاه درس بدهد. برای او درس بگذارید و اجازه بدهید که ما از وجود ایشان استفاده کنیم. به این ترتیب از سال ۱۳۴۸، مدرس دانشگاه تربیت معلم شدم، که مدت ۲۰ سال ادامه یافت. آقای دکتر حسن پاشاشریفی^۳ هم که از استادان معروف این رشته در حال حاضر است، مانند من موفق شد، از همان زمان در دانشگاه تدریس کند.

نخستین درسی که دکتر مشایخی در دانشگاه تربیت معلم به ما داد، درس سازمان، قوانین و مقررات در آموزش و پرورش بود. این درس با کتابی تحت عنوان «سازمان امور اداری آموزش و پرورش» نوشته خود دکتر مشایخی تدریس می‌شد. ضمن این که یادآوری کنم، در همان دوران دانشجویی هم، مواقعی که دکتر مشایخی برای شرکت در جلسات شورای عالی آموزش و پرورش می‌رفت، از من می‌خواست که به جای ایشان این درس را تدریس کنم. از این رو بعدا که فارغ‌التحصیل شدم درسی که برای من گذاشتند، سازمان و

۱. با کمال تأسف استاد صافی، کوتاه مدتی بعد از آخرین مصاحبه تساریخ شفاهی به تاریخ ۵ شهریور ۱۴۰۱، به‌دنبال یک بیماری کوتاه، در صبحگاه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱ دار فانی را وداع گفتند. اما خوشبختانه در همان ایام بستری در بیمارستان، متن تدوین شده مصاحبه‌ها را ملاحظه و اصلاحاتی در آن به عمل آوردند.

۲. دکتر احمد هوشنگ‌شریفی متولد ۱۳۰۵، استاد و رئیس دانشگاه تهران، ریاست دانشگاه ملی ایران و نماینده ایران در یونسکو بود. وی از سال ۱۳۴۳ به عنوان معاون تعلیماتی وزیر و سپس به عنوان رئیس دانشسرای عالی و بالاخره به عنوان وزیر آموزش و پرورش به عضویت شورا عالی آموزش و پرورش درآمد. وی در جلسه ۸۵ شورا مورخ ۱۳۵۰/۱۰/۱ موفق به دریافت نشان فرهنگ از شورا شد.

۳. دکتر حسن پاشاشریفی متولد ۱۳۱۲، هم‌دوره استاد صافی در رشته مشاوره در دانشسرای تربیت معلم بود که با عنایت به حوزه‌های مطالعاتی و تخصصی خویش از جمله سنجش، به مقامات علمی و اجرایی چندی دست یافت. از آن جمله عضویت در انجمن روانشناسی آمریکا، موسسه ملی پژوهش‌های آموزشی انگلستان. همچنین عضو هیات علمی دانشگاه آزاد، ریاست دانشکده روانشناسی و عضویت انجمن روانشناسی ایران، تألیف کتاب‌های دانشگاهی و ... قابل ذکر هستند.

کتاب خود من
تحت عنوان
«سازمان و قوانین
آموزش و پرورش
ایران» است که
اخیراً به چاپ سی‌ام
رسیده است

قوانین آموزش و پرورش بود. این درس الآن هم در برنامه درسی دانشگاه وجود دارد و کتابی که تدریس می‌شود، کتاب خود من تحت عنوان «سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران»^۱ است که اخیراً به چاپ سی‌ام رسیده و تا حالا صد هزار جلد از این کتاب چاپ شده است.

البته فعالیت‌های آموزشی من در دانشگاه، بعد از انقلاب اسلامی سرعت و قوت بیشتری گرفت. در طی چند دههٔ اخیر در بسیاری از دانشگاه‌های تهران و اطراف آن مشغول فعالیت آموزشی و علمی بودم. از آن جمله فقط در شعبه رودهن دانشگاه آزاد اسلامی به مدت بیست و هفت سال تدریس کرده‌ام. ساعت ۶ صبح از تهران به سمت رودهن حرکت کرده و ساعت ۸ سر کلاس حاضر می‌شدم. دکتر حسینی که از دوستان من بود، می‌گفت آقای دکتر عبدالله جاسبی [رئیس دانشگاه آزاد اسلامی] روزی مرا خواست و گفت که بیا و برو در رودهن شعبه دانشگاه آزاد احداث کن. او تعریف می‌کرد آن وقت فقط یک باغی به اضافه یک ساختمان کوچک با سه اتاق در آنجا بود. به من گفت صافی من سراغ شما آمده‌ام، چون دوست من هستی؛ بیا و اولین کسی باش که در تأسیس این شعبه دانشگاه در رودهن با من همکاری می‌کند. دوستی هم داشتم به نام آقای رحیمی که در مرکز مشاوره با ما کار می‌کرد و فرد فوق‌العاده‌ای بود. ما فهرستی از افرادی که در وزارتخانه می‌توانستند با ما کار کنند، تهیه کردیم سپس از آن‌ها دعوت به همکاری نمودیم. روز اول که به دانشگاه رفتیم، دیدیم آقای حسینی در اتاق خودش نشسته و در اتاق دیگر هم یک کلاس تشکیل داده است. به این ترتیب دانشگاه رودهن با یک کلاس شروع و امروز (سال ۱۴۰۱) به دانشگاهی با بیست و چهار هزار دانشجو تبدیل شده است. دانشگاهی که مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکترا و رشته‌های تحصیلی و بخش‌های متعددی دارد. خانم دکتر رودخانه‌ای هم الآن رئیس آن‌جا هست که روزگاری با من درس داشت. من بیست و هفت سال - البته هفته‌ای دو و بعضاً سه روز - در این دانشگاه تدریس کردم.

یک نکته دیگر درباره این دانشگاه این که، مدتی بعد از تأسیس دانشگاه، به استادان و اعضای هیئت علمی اعلام کردند که دانشگاه در صدد است به آن‌ها در پردیس زمین بدهد. من از زمره افرادی بودم که اعلام آمادگی کردم. لذا به ما یک زمین دادند و بعد آن را ساختند و یک واحد آپارتمان در ساختمان استادان دانشگاه رودهن - واقع در پردیس - به ما تحویل دادند. کتابخانه اصلی من در آن آپارتمان در کوی استادان دانشگاه قرار دارد. بسیاری از اسناد اصلی و مدارک من در آنجاست. وقتی ما می‌خواستیم منزل تهران را بازسازی کنیم، ناچار شدیم بخشی از وسایل و کتاب‌ها و منابع را به آنجا منتقل کنیم. این نکته را هم اضافه کنم که در واقع رودهن با تأسیس دانشگاه آزاد خیلی تغییر و پیشرفت کرد. ساختمان دانشگاه آزاد دارای مراکز علمی غنی و سالن‌های متعدد است. امروزه در آنجا نهادها و مراکز علمی مهم دیگری نیز ایجاد شده است.

۱. صافی، احمد، سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، ویراست دوم، تهران، سمت، چاپ بیستم، زمستان ۱۳۹۳

تا امسال یعنی
۱۴۰۱، تعداد پنجاه
کتاب نوشته‌ام که
از این تعداد، چهل
کتاب آن منتشر
شده است

از دانشگاه‌های دیگر که تدریس کردم، باید به دانشگاه تربیت مدرس در تهران اشاره کنم که حتی در مقطع دکترا از من برای تدریس دعوت کردند. همچنین در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران به مدت بیست سال درس دادم. خیلی از استادان فعلی در آن دانشگاه با من درس داشتند. دانشگاه فرهنگیان که تأسیس شد آنجا هم تدریس کردم. در دانشگاه شهید رجایی نیز به مدت پانزده سال تدریس داشتم و همچنین در دانشگاه الزهراء(س) از قبل از انقلاب اسلامی به مدت سی سال تدریس کردم که تا چهار سال قبل (۱۳۹۷) ادامه داشت. در دانشگاه تربیت معلم هم به مدت بیست و چهار سال تدریس کردم و وقتی که این دانشگاه به کرج منتقل شد، دیگر نرفتم. ولی در شعبه این دانشگاه در تهران کلاس‌های متعددی داشتم.

با عنایت به این دوران پر بار تدریس در دانشگاه‌ها می‌توانم ادعا کنم که من یک دانشگاهی و آموزش و پرورشی هستم، با این توضیح که هیچ‌گاه از آموزش و پرورش به دانشگاه منتقل نشدم. بنابراین حدود شصت و شش سال است که من با آموزش و پرورش در ارتباط هستم، یعنی از هیجده سالگی به آموزش و پرورش ملحق شدم.

۲. تألیف یک کتاب خاص «سالمندی و سبک زندگی سالم»: من تا امسال یعنی ۱۴۰۱، تعداد پنجاه کتاب نوشته‌ام که از این تعداد، چهل کتاب آن منتشر شده است و ده کتاب دیگر آماده چاپ است. آخرین کتاب که الان زیر چاپ است را با همکاری یک پروفسور سرطان به نام پروفسور پارسا و کمک پسر م دکتر ناصر صافی استاد دانشگاه فرهنگیان نوشته‌ایم. پروفسور پارسا برجسته‌ترین استاد سرطان در ایران است. عنوان کتاب، «سالمندی و سبک زندگی سالم» است. هشدار بدهم که در آینده جهان و ایران، با یک سونامی حادی به نام سالمندی مواجه هستیم. در این کتاب توضیح دادیم که اگر برنامه‌ریزی جدی نشود، آینده سالمندان جامعه ما به لحاظ پیر شدن جمعیت مشکلات متعدد پیدا می‌کند. این کتاب آماده شده و به‌زودی چاپ و منتشر می‌شود. داده‌های این کتاب را در خلال سال‌هایی که به عنوان نماینده وزارت آموزش و پرورش به سازمان بهزیستی و همچنین با همین جایگاه به وزارت کار و بالاخره به وزارت بهداشت می‌رفتم، تا سند ملی سالمندان را تدوین کنیم، استخراج کردم. سند ملی سالمندان پارسال (۱۴۰۰) رسماً توسط سازمان برنامه و بودجه به کل سازمان‌ها از جمله وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد. این سند خیلی جالب است مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، راهبردهایی دارد. از آن جمله آمده است که اتوبوس‌ها باید برای سالمندان چگونه باشند، یا مطرح می‌کند که مترو چگونه باید باشد و وزارتخانه‌ها چه وظایفی نسبت به سالمندان دارند. دو فصل از این کتاب را از این سند آورده‌ام. به نظر، تازه‌ترین کتابی است که در زمینه سالمندی با الهام از سند ملی

۱. خوشبختانه کتاب با عنوان «سبک زندگی سالم در سالمندان»، تألیف دکتر ناصر پارسا، احمد صافی، دکتر ناصر صافی، تهران، نشر ویرایش، تابستان ۱۴۰۱ در نه فصل و هشتاد صفحه به زیور طبع آراسته شد.

شبکه چهار سیما
تاکنون درباره
زندگی و فعالیت‌های
پنجاه نفر از
صاحب‌نظران و
نام‌آوران حوزه‌های
فرهنگی و آموزشی
فیلم مستند
تولید کرده است

سالمندی نوشته شده است. از آن جمله فصولی تحت عنوان تغذیه سالمندان و ورزش در سالمندان دارد و به ترتیب مسائل مبتلا به سالمندان را مطرح می‌سازد.

۳. فیلم مستند حکایت دل: در همین راستا به تهیه و تولید یک فیلم مستند درباره فعالیت‌های اجرایی، علمی و آموزشی‌ام تحت عنوان «حکایت دل» اشاره کنم که توسط یک تیم فیلمبرداری از شبکه چهار سیما اجرا شد. این فیلم مستند در مدرسه تاریخی دارالفنون، طی چند جلسه مصاحبه و گزارش تهیه گردید. ضمن این که اعضای تیم مذکور در ادامه هم در منزل و هم در مرکز مشاوره روانشناسی صبح امید^۱ حضور یافته و فیلم تهیه کردند. خوشبختانه این مستند از شبکه چهارم سیما پخش شد و دوستانی که آن را دیده بودند، گفتند که مطالب و مصاحبه‌ها متعادل بوده و افراطی صحبت نکرده‌ام. شنیدم که مقرر شده این فیلم مستند در تمام دوره‌های دانشگاه فرهنگیان برای دانشجویان پخش شود و معلمان آینده با مطالب ارائه شده در خصوص روش‌های تعلیم و تربیت آشنا شوند. تأکید کنم که من در این فیلم به بسیاری از پرسش‌ها و دغدغه‌ها و چالش‌های حوزه آموزش پاسخ داده‌ام. این نکته را هم یادآوری کنم که شبکه چهار سیما تاکنون درباره زندگی و فعالیت‌های پنجاه نفر از صاحب‌نظران و نام‌آوران حوزه‌های فرهنگی و آموزشی فیلم مستند تولید کرده است. به‌نظرم این فیلم مستند می‌تواند به برخی از سوالات شما هم پاسخ دهد، زیرا این تیم فنی در کار خود خیلی دقت و وسواس داشتند و تقریباً یک فیلم زنده و طبیعی از زندگی من گرفتند. این فیلم و سی‌دی‌های سخنرانی‌های من، به گونه‌ای، تأیید همه بحث‌ها و گفت‌وگوهایی است که ما تاکنون با هم داشته‌ایم.

۱ به اختصار درباره مرکز راهنمایی و مشاوره صبح امید خاطر نشان کنم که این مرکز را من به عنوان مؤسس و مدیر آن با اخذ مجوز از دو نهاد یعنی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره و همچنین شورای عالی جوانان تأسیس کردم. فعالیت اصلی ما در مورد مشاوره ازدواج بود که بعدها کارشناسانی نظیر متخصص مغز و اعصاب، متخصص اعصاب و روان، روانسنج، روانپزشک و ... نیز به جمع ما اضافه شدند. من معمولاً هر روز از ساعت ۴ تا ۸ بعدازظهر در مرکز حضور می‌یابم که غالباً بعد از مشاوره، به نوشتن آثارم می‌پردازم. بسیاری از آثار و تحقیقات دانشجویانم نیز در این مرکز نگهداری می‌شود. خوشبختانه در این مرکز، کتابخانه بسیار خوبی ایجاد کردیم، به طوری که وقتی کارشناسان از آنجا بازدید کردند، به مرکز ما نمره صد دادند که بیشتر به خاطر کتابخانه مجهز و و غنی مرکز بود. (راوی)